

www.ketab.ir

برکیا روصول

(شرح مشکلات حدیقة الحقیقة سنایی)

دکتر حمید طاهری

عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)



سرشناسه: طاهری، حمید، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: برگزای وصل (شرح مشکلات حدیقه الحقیقه سنایی) / حمید طاهری.

مشخصات نشر: قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص. شابک: 978-622-6898-59-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: نمایه.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۶ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- 12th century -- History and criticism

موضوع: سنایی، مجدود بن آدم، ۹۴۷۳ - ۹۵۲۵ق. موضوع: SanaiMajdud ibn - Adam, 1080? - 1150?

موضوع: سنایی، مجدود بن آدم، ۹۴۷۳ - ۹۵۲۵ق. -- حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه -- نقد و تفسیر

موضوع: Sanai, Majdud ibn-Adam . Hadiqat al - Haqiqah va Shari'at al - Tariqah -- Criticism

and interpretation

موضوع: سنایی، مجدود بن آدم، ۹۴۷۳ - ۹۵۲۵ق. -- حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه -- شرح

شناسه افزوده: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

شناسه افزوده: Imam Khomeini International University

رده بندی کنگره: PIR۹۴۴ رده بندی دیویی: ۲۳/۸۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۴۰۲۳ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

برگزای وصل (شرح مشکلات حدیقه الحقیقه سنایی)

نویسنده : حمید طاهری

ناظر فنی : حمید کلهر

صفحه آرا : فاطمه قدیری

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۹۸-۵۹-۱

نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰

قیمت : ۷۸ هزار تومان

شمارگان : ۵۰۰ جلد

ناشر : انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، تلفن ۰۲۸ - ۳۳۹۰۱۴۲۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مسئولیت حقوقی و قانونی محتوای کتاب بر عهده صاحبان اثر است

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۴	سخنی در زندگی، افکار، احوال، آثار و شاخصه‌های شعری و زبانی حدیقه
۴۲	شرح ابیات دشوار حدیقه
۲۷۷	کتابنامه
۲۸۵	راهنمای ابیات شرح شده در رساله
۳۰۶	راهنمای کلمات، ترکیبات و عبارات
۳۲۸	فهرست اعلام
۳۳۴	فهرست آیات
۳۳۷	فهرست احادیث، اخبار، ماثورات و اقوال مشایخ صفحه
۳۳۹	ضرب المثل عربی
۳۴۰	فهرست ابیات، عبارات و امثال عربی

پیشگفتار

هر کلامی باز گوید فطرت گوینده را شعر زاهد زهد گوید، شعر کافر کافری
ملك الشعراى بهار

مولانا می گوید: کلام خدا، بوی خدا را می دهد و کلام رسول، بوی رسول و کلام ما بوی ما. محصول این سخن خردمندانه آن است که سخن جلوه گاه و آینه انعکاس اندیشه و جهان بینی آدمی است و فکر و نگرش هر کس را می توان در طنین صدای او دریافت. بر اساس همین حقیقت است که تکلم را تکلم بی صوت می خوانند. بزرگان اندیشه و معرفت، جهانی از اندیشه و حکمت در درون دارند که شناخت و ادراک آن در عین دشواری، ضروری است؛ چون که باید یا نظر و یا نظر جوی بود. اما پرده های صورت پوش اندیشه و تفکر بسیار است و نگاه ها همیشه عریان نیست و در صید آن باید جهد بسیار کرد تا لب اندیشه و مسند نشین ضمیر را دریافت و پرده از روی حقایق - که کسب بی واسطه آن بر آدمی دشوار است - برداشت و در این راه، دیده ای باید سبب سوراخ کن تا پرده اسباب را درنورد و ندهای گوش نواز را دریابد. چه دشوار که از سر عمد پرده بر حقیقت خیال و اندیشه افکنده شود و بصراحت گفته آید:

من چو لب گویم، لب دریا بود من چو لا گویم مراد الا بود

آن کسی می تواند «لا» را از «الا» دریابد که خط دل بخواند و زبان رمز بداند؛ وگرنه او را جز برگ بی برگی، برگی به کف نخواهد آمد.

حقیقه الحقیقه سنایی از آن جا که نقطه شروع عرفان منظوم فارسی با حجم و گستره ای قابل توجه است و تقریباً در پیدایش عمده آثار ارزنده عرفانی بعد از خود، نقش غیر قابل انکار دارد؛ اما در کم و کیف این اثر، تحقیق و تفحص چشمگیر و پرشماری انجام نشده است. این اثر سترگ عرفانی بیش از هر چیز نیاز به يك نسخه مصحح ارزشمند و کم غلط دارد؛ زیرا بسیاری از نقاط کنگ و دشواریاب این اثر، ناشی از متن پر غلط و مغشوش آن است.

استاد فقیه، مدرس رضوی، قسم عمده عمرش را وقف تصحیح و تعلیقات آن نمود؛ ولی او نیز مشکل نبود نسخه منزله و سره این اثر را داشت و همین کاستی، سبب لغزش‌هایی در شرح و تعلیقات او گردید.

تعداد ابیات حدیقه در نسخه‌های مصحح این اثر، بین ۱۰ - ۵ هزار بیت است و این تفاوت، جای بسی تأمل و اندیشه است؛ لذا ضرورت دارد در تصحیح مجدد و منقح این مثنوی ارزشمند تلاشی مجدد و مضاعف کرد. حدیقه، اثری است منظوم در قالب مثنوی و از ویژگی‌های مثنوی آن است که ابیات با هم پیوند عمودی و ناگسست معنایی دارند؛ یعنی ابیات حدیقه را باید در يك محور پیوستاری عمودی شرح و تفسیر و معنا کرد. گاه عدم توجه شارحان و گزیده‌سازان این اثر به این پیوستار، سبب لغزش و عدم فهم درست ابیات دشوار آن گردیده است. برای مثال سنایی در بیتی چنین می‌گوید:

دشمنی حسین از آن جسته است که علی لفظ لا مکان گفته است

مسند الیه با نهاد مصراع اول محذوف است و این حذف را می‌توان حذفی بلاغی دانست؛ زیرا به قرینه در ابیات قبل، نهاد آن آمده است. حتی می‌توان نهاد آن را بدون توجه به قرینه و بر اساس ترجیح وجود عقلی مسندالیه بر وجود لفظی آن دریافت. نهاد این بیت در خلال ابیاتی آمده است که سنایی در خصوص استوای حق تعالی بر عرش و در تفسیر این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» چندین بیت نغز و پرمعنا گفته است. اگر به ارتباط معنایی این بیت با ابیات قبل توجه نکنیم، ممکن است در فهم درست آن به خطا برویم و دشمنی جوینده حسین را زخم خوردندگان جنگ‌های صفین و نهروان بخوانیم. (رک: گزیده دکتر راشد محصل، ذیل بیت مورد نظر) و این چنین شرح و تفسیری سبب می‌شود که تناسب و ارتباط این بیت با ابیات قبل نادیده گرفته شود و تفسیر بیت نادرست شد و این بیت، بیتی مستقل و بدون ارتباط با ابیات قبل به نظر آید. اما اگر دشمنی جوینده را به قرینه موجود در ابیات قبل - که سنایی از عرش و بی مقداری او و تنزیه پروردگار از استوای بر عرش می‌سراید - عرش و فلک و چرخ بدانیم، آن‌گاه شعر معنایی خوش و جایگاهی بسزا در میان دیگر ابیات پیدا می‌کند و مصراع دوم که تلمیحی است به سخن امیر مومنان که می‌فرماید «سَلَوْنِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ» بر نهاد بودن عرش و دشمنی جستن او با امام حسین - علیه السلام - کمک خوبی می‌کند؛ لذا عرش از کلام علی که او را بی مقدار ساخت، کینه به دل گرفت و این کینه را با شهادت حسین تسکین داد. چرخش ایام و گذر روزگاران که تالی چرخش عرش و چرخ فلک است، حسین را به شهادت رساند.

از دیگر مشکلاتی که در فهم حدیقه با آن رو به رو هستیم، زبان خشک و خشن و تعلیمی سنایی است. حدیقه يك اثر منظوم است و شاید جوهر شعری در آن در قیاس با آثار هم‌روزگار او خیلی قوی نباشد و کمی بسامد تصاویر و ایماژهای شعری سبب شود تا آن را اثری منظوم بخوانیم نه اثری شاعرانه. در ابیات حدیقه، تصویر یا صورت خیال بسیار کم است و حتی گاه در محور عمودی آن به تخیل شعری بر نمی‌خوریم و گاه نیز در

يك بيت با دو يا سه و حتی چهار تصویر يا ايماء مواجه می‌شویم. زبان خشك و بی روح حدیقه و غلبه معنا بر لفظ خصوصاً در ابیات آغازین حدیقه، سبب شده است که برخی مشکلات حدیقه برخاسته از چگونگی ترکیب گروه‌های جمله در محور همنشینی یا نحو کلام او باشد.

با این که در حدیقه تصویر و ايماء شعری بسیار کم است و گاهی برخی از مشکلات حدیقه ناشی از تصویرسازی غریب اوست. وجه شبه ظریف و بسیار لطیف و دیرپا، مشبه و مشبه‌به‌های مرکبی که گاه در يك تشبیه ترکیب می‌کند، سبب دیرفهمی و حتی کج‌فهمی معنای بیت می‌شود. او در شعری چنین می‌سراید:

گرچه موسی به سوی نیل شدي نیل چون پر جبر نیل شدي
سفل نیل آب داد تا سر او از نشان سفال چاکر او

تصویر تشبیه بیت دوم فرآیند دریافت را دشوار و کند می‌کند. عصا زدن در رود نیل و باز شدن راه در میان رود، در اثر شکافته شدن سطح رود، سبب می‌شود که آب رود از دو طرف کمانه کند و به بالا بیاید و شکل زیر را بسازد: شکل کاسه سفالی که رود نیل برای اظهار ارادت و غلامی خود به پیامبر به خود می‌گیرد. بالا آمدن آب رود از اطراف مثل کاسه سفالی می‌شود که غلامی این را بالای سر می‌گیرد تا مولا و صاحب او کاسه را به دست بگیرد و از آن آب بنوشد.

گرایش عرفان حدیقه به زهد و بی میلی به دنیا، سبب شده است که در حدیقه با ترکیبات بسیار جدیدی که کنایه از دنیا و مافیهاست روبرو شویم و همین ترکیبات نو و بدیع به سهم خود سبب دریافت و انتقال معنی برخی ابیات را دشوار می‌کنند.

علاوه بر عوامل ابهام‌سازی که در آغاز سخن مذکور افتاد، شایع‌ترین انواع ابهام در حدیقه از میان گونه‌های مختلف ابهام، انواع زیر می‌باشد که جهت آگاهی بیشتر به آنها اشاره می‌گردد:

۱- وجود تعدادی از واژه‌های کهن و نامأنوس فارسی و عربی؛ مثل لاله‌بند، لاله بید، فغوله. خشکبند، خشک‌ریش، خشک جنبان و...

۲- انعکاس جهان‌بینی عارفانه و بازتاب اندیشه‌های گسترده سنایی در حدیقه، تعدادی از ابیات آن را دشوار ساخته است. نگاه خاص سنایی به زندگی و هستی و به طور کلی جهان‌بینی لطیف او سبب ابهام شعر او می‌گردد.

۳- استفاده از مثل‌ها و کنایات خاص زمان، گونه‌ای دیگر از ابهام شعر اوست. از جمله جامه به گازر دادن، پوستین به گازر دادن، حدیث بظ و...

۴- ابهام بسیاری از ابیات، مربوط به زبان و سبک خاص سنایی در حدیقه است. حذف‌ها، گاه عامیانه سخن گفتن‌ها، هجو و اصطلاحات خاص و... زبان او را دشوار می‌سازند.

۵- غلط‌نویسی کاتبان کم‌سواد و اهمال در کتابت، یکی دیگر از دلایل ابهام شعر حدیقه است.

۶- تنش‌های سیاسی موجود در زمان سنایی از دیگر علل مبهم‌ساز بعضی ابیات حدیقه و افکار سنایی است و چون در فضای پرتنش براحی مهر رد یا قبول بر پیشانی پیشانی‌داران دین و دانش، جای خوش می‌کرد؛ چنانکه محمود غزنوی گوید «... بدین خلیفه خرف شده نباید نشست که من از بهر عباسیان انگشت در کرده‌ام در همه جهان و قرمطی می‌جویم و آنچه یافته آید و درست گردد، بردار می‌کشم، و اگر مرا درست شدی که حسنک قرمطی است، خبر به امیرالمؤمنین رسیدی که در باب وی چه رفتی»^۱

همین ابهامات است که حدیقه را ناگزیر از شرح و تفسیر می‌سازد.

تاکنون شروخی بر حدیقه نوشته شده است که عبارتند از:

* شرح عبداللطیف بن عبدالله عباسی، مسمی به «لطایف الحقائق» که از بهترین شروح حدیقه است. تألیف آن در سال ۱۰۳۸ قمری شروع و در سال ۱۰۴۱ به اتمام رسیده است. این شرح در کلکته به چاپ رسیده است.

* طریقه علایی شرح بر حدیقه سنایی، از نواب محمد علاءالدین احمد خان صاحب بهادر فرمانفرای لوهاور، متخلص به علانی؛ در این شرح، علانی باب اول کتاب حدیقه را توضیح داده و با آیات قرآنی و احادیث تطبیق نموده است.

* حواشی حدیقه خطی: نسخه‌ای است که ابتدا و انتهای آن نامعلوم است و مشخص نیست که حواشی از کیست و هرچه هست، این شرح بعد از شرح عبداللطیف عباسی نوشته شده است و از شرح عبداللطیف، بی آن که از آن نام ببرد، استفاده کرده است.

* مفتاح الحدیقه؛ این اثر در بیان معنی لغات حدیقه نوشته شده است. مؤلف در این کتاب فقط به ذکر معنی لغات مشکل و ترجمه بعضی از آیات قرآن پرداخته است.

اما یکی از بهترین کارهای تحقیقی که در آن شرح و تفسیر بسیاری از ابیات مشکل حدیقه ارائه شده، تعلیقات حدیقه به همت استاد فاضل و فقیه دانشمند، مدرس رضوی است که از سنایی‌شناسان بسیار برجسته بوده و بخش عمده‌ای از عمر پربار خود را صرف تصحیح و طبع و شرح و ترتیب گزیده‌ای از حدیقه سنایی کرده است. این کتاب بسیاری از مشکلات حدیقه را پاسخ گفته است و مأخذ برخی از قصص و حکایات حدیقه را یافته است و همچنین آیات، احادیث، اقوال بزرگان، کلمات حکیمانه‌ای که سنایی به صورت‌های مختلف درج و حل و اقتباس و اشاره از آنها سود جسته است، ذکر نموده و از این باب حق بزرگی بر گردن همه محققان حدیقه شناس دارد.

^۱ رک: تاریخ بیهقی، به تصحیح غنی و فیاض، چاپ سوم، انتشارات خواجه، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۸۸۳.

و نیز برای اطلاعات بیشتر از تنش‌های سیاسی زمان سنایی رک: راحة الصدور، تألیف محمد بن علی راوندی، به تصحیح محمد اقبال، چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۸۸۹.

اما در این اثر به خطاهای بسیاری در ذکر شماره‌های آیات برمی‌خوریم که کار را بر محققان بسیار دشوار می‌سازد. اغتشاش نسخ خطی حدیقه - که تعداد ابیات حدیقه در آن نسخ بسیار در نوسان است - مسبب شده که استاد مدرس رضوی برخی ابیات را تنها با برداشت ذوقی و ظاهری شرح و تفسیر نماید و از معنا و مفهوم حقیقی بیت دور ماند. از جمله بیت:

«چون تو را گشت نوش و حدّت بیش بده آن نوش را به حدّت نیش»

(ح / ۳۷۱ / ۱۶)

استاد مدرس رضوی، «نوش و حدّت» را ترکیب اضافه تشبیهی دانسته، آن را کنایه از لطف و قهر الهی معنی کرده است {رک: تعلیقات حدیقه، ص ۴۹۵} اما با کمی تأمل در ابیات پس و پیش بیت فوق در می‌یابیم که «نوش و حدّت» ترکیب نیست بلکه «نوش» و «حدّت» است. و مراد از نوش، شیرینی و عسل و مراد از حدّت، تند و تیزی آن است؛ بدین ترتیب معنای بیت چنین می‌شود: وقتی شیرینی و حدّت آن در بدن زیاد می‌گردد، تعادل آدمی به هم می‌خورد و بیمار می‌شود، پس برای بهبود باید آن نوش را با سختی و حدّت نیش فصاد معاوضه کند.

گاهی مدرس رضوی با توجیهات غیرعلمی و عامیانه به شرح و تفسیر بیت اقدام می‌کند که به هیچ روی شرح ارائه شده با حقیقت بیت تناسب و همخوانی ندارد. بیت زیر نمونه‌ای از اینگونه توجیهات است:

از پی نظم این گلین مفرش بر بادست و پای، آب، آتش

(ح / ۵۶۸ / ۴)

در شرح این بیت آورده است که: بهتر است مصراع دوم را «بر بادست و پای آب آتش» بخوانیم و در این صورت معنی چنین خواهد شد: تا باد زیر پر قرار نگیرد، پرنده قادر به پرواز نخواهد شد و تا آتش در زیر آب قرار نگیرد، آب به جوش نخواهد آمد. {ص ۶۳۲ - ۶۳۱} اما کمی اندیشه در بیت، معنای آن را روشن می‌سازد. سنایی در این بیت از نظم و ترتیب قرار گرفتن چهار آخشیش یا عناصر اربعه سخن می‌گوید: بدین تفصیل که عناصر اربعه به ترتیب از بالا به پایین با نظمی خاص قرار گرفته‌اند: آتش، باد، آب و خاک.

دو عنصر میانی (آب و باد) عنصری را در تحت و عنصری را در فوق خود دارند؛ یعنی در بالای باد، آتش و در پایین آن، آب قرار دارد. وجود لف و نشر و حذف برخی از اجزا و ارکان بیت، معنی آن را پیچیده و گنگ کرده است که با برگرداندن نشرها به لف‌ها و ذکر ارکان و اجزای حذف شده معنای بیت روشن می‌گردد و معنای وی عبارت خواهد شد از: [خداوند] برای ایجاد این عالم (= مفرش) خاکی و پایداری آن در میان تمام عناصر و پدیده‌ها نظم و انضباط خاصی برقرار کرده است، از جمله آتش را بالای باد و آب را در پایین باد قرار داده است.

همچنین معنای برخی از ابیات حدیقه برای مرحوم مدرس و رضوی روشن نگشته، به همین خاطر در مقابل آن بیت علامت سؤال به نشانی عدم دریافت معنا و فهم بیت قرار داده است، و گاه به صراحت به عدم دریافت معنا اقرار کرده است مثل این بیت:

دید وقتی عزیز عزرائیل

سُبح لقمان سبیل سیر سبیل

(ح/ ۱۴/۶۹۰)

برای آگاهی از معنای بیت مذکور: رك: شرح بیت فوق در کتاب حاضر.

برای حل ابیات مشکل از تعلیقات مرحوم مدرس رضوی بهره‌های بسیار جستم و به پاس این مدد از درگاه خداوند متعال برای ایشان طلب آمرزش دارم. از برگزیده‌های متن حدیقه بسیار سود جسته‌ام و تقریباً تمام آنها را تهیه نموده، در شرح ابیات مشکل از آنها کمک گرفته‌ام و از تمام پژوهشگران صاحب‌نظر در شعر و اندیشه سنایی سپاسگزارم. از کتب احادیث، بخصوص احادیث مشنوی بهره بسیار برده‌ام و برای فهم درست بیت به کتب تفسیر نیز رجوع کرده‌ام تا شاید راهی در گشایش گره بیت حاصل شود. همچنین به تعدادی از نسخه‌های خطی حدیقه نیز رجوع کرده‌ام. کتب لغت بسیاری بخصوص لغت‌نامه دهخدا را دیده، گاه برای دریافت معنی درست بیت به تعلیقات دواوین شاعران رجوع کرده‌ام و تا حد امکان ایجاز را در بیان مطالب رعایت نموده‌ام و هر اثری را که پاسخگوی رفع ابهام موجود در ابیات حدیقه دیده‌ام، مطالعه نموده‌ام که ذكر تك آنها در مقدمه سبب اطاله کلام می‌گردد.

کتاب حاضر شامل يك پیشگفتار و يك باب در زندگی، احوال و آثار سنایی بخصوص معرفی مختصر حدیقه است و برای سهولت در مراجعه به این اثر، فهرستی از ابیات طرح شده و آیات و احادیث و اخبار و مائورات و اقوال مشایخ، ابیات و امثال عربی و اعلام و لغات و ترکیبات تهیه کرده‌ام که در پایان آمده است. ابیات شرح شده به ترتیب صفحات حدیقه به تصحیح مرحوم مدرس رضوی ذکر گردیده‌اند و تمامی ارجاعات به همین تصحیح است؛ مگر در مواردی خاص که ضبط نسخه مصحح نسخه پاسخگوی حل مشکلات باشد، به نسخه‌ها و طبع‌های دیگر، رجوع کرده‌ام. برای جلوگیری از افزایش حجم کتاب حاضر از ذکر نام فرهنگ‌های مورد استفاده خودداری کرده، تنها به علامت اختصاری که برای هر یک تعریف کرده‌ام، بسنده داشته‌ام:

علامت اختصاری (ل) اشاره به لغت نامه دهخدا است.

علامت اختصاری (م) اشاره به فرهنگ فارسی دکتر معین است.

علامت اختصاری (غ) اشاره به فرهنگ غیاث اللغات است.

علامت اختصاری (من) اشاره به فرهنگ منتهی الارب است.

علامت اختصاری (فن) اشاره به فرهنگ نقیسی یا ناظم الاطیاست.

علامت اختصاری (فر) اشاره به الفروق فی اللغة است.

علامت اختصاری (ب) اشاره به برهان قاطع است.

در پایان، ذکر این حقیقت ضروری است که نگارنده به هیچ وجه بر این باور نیست که توانسته است تمام مشکلات حدیقه را پاسخ گوید. یا این که تمام ابیات مشکل حدیقه ختم به همین ابیاتی باشد که در کتاب حاضر آمده است. در بسیاری موارد حتی معانی ذکر شده از ابیات از نظر نگارنده پسندیده و معقول نبوده است و جای آن دارد که کارهای تحقیقی بهتر و دقیق‌تری در حدیقه سنایی صورت پذیرد.

www.ketab.ir